

## از گوشه و کنار

در گفت و گو با ایلنا مطرح شد:  
تأیید ابتلای دونفر به ویروس  
کرونا در قم

بالاخره ویروس کرونا به ایران رسید و بر اساس اعلام وزارت بهداشت نخستین مورد مبتلایان به این ویروس در استان قم مشاهده شد؛ این در حالی است که سه شنبه شب - ۲۹ بهمن ماه - رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم در گفت و گو با خبرنگار ایلنا خبر ابتلای دونفر در قم به کرونا را تکذیب کرده بود. اما دیروز - چهارشنبه ۳۰ بهمن ماه - محمدرضا قدیر در گفت و گو با خبرنگار ایلنا نه تنها از مثبت بودن آزمایش‌های اولیه دو بیمار مبتلا به ویروس کرونا در قم خبر داد و افزود: منتظر بررسی‌های بیشتر هستیم. وی در پاسخ به ایلنا که پرسیده بود چطور دیشب این خبر را تکذیب کردید، گفت: نتایج آزمایش امروز به دست ما رسیده است. قدیر در پاسخ به این پرسش که افرادی که مشکوک به ابتلای ویروس کرونا هستند به کجا باید مراجعه کنند؟ گفت: این افراد باید به درمانگاه بیمارستان کامکار قم مراجعه کنند تا اگر نیاز شد و پزشک تشخیص داد آزمایش مربوطه از آنان گرفته شود. وی درباره جنسیت، سن و چگونگی ابتلای این بیماران هم گفت: اطلاع‌رسانی لازم به زودی انجام می‌شود.

رئیس پلیس تهران بزرگ در گفت و گو با ایلنا:  
هیچ مهمی را هنگام دستگیری  
مورد ضرب و شتم قرار نمی‌دهیم

رئیس پلیس تهران بزرگ گفت: هیچ مهمی را هنگام دستگیری مورد ضرب و شتم قرار نمی‌دهیم. سردار حسین رحیمی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا در باره خبر ضرب و شتم یکی از دانشجویان هنگام دستگیری گفت: این موضوع کاملاً کذب است. وی خاطر نشان کرد: امروز دیگر دوره ضرب و شتم گذشته است. اگر متوجه شویم که چنین کاری از سوی مأموران برای هر مهمی انجام شده، به شدت برخورد خواهیم کرد.

۲ میلیون دیابتی در کشور از  
بیماری خود بی‌خبرند

حدود ۵ میلیون نفر در ایران مبتلا به دیابت هستند که حدود ۲ میلیون نفر از آنها از بیماری خود خبر ندارند. به گزارش ایرنا شهزاد غیاث‌نویان، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: به ازای هر ۵۰۰ نفر یک نفر در کشور به عنوان آموزش دهنده جهت پیشگیری و مقابله با دیابت نیاز است. او اظهار کرد: با توجه به آمار مبتلایان به دیابت به ۱۰ هزار نفر پرستار در کشور احتیاج است که طبق برنامه‌های آموزشی در سطوح و عرصه‌های مختلف همچون درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مطب و سایر مراکز درمانی و اجتماعی اطلاعات لازم در مورد دیابت را ارائه دهند.

بر اساس گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۱ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال در کشور به دیابت مبتلا هستند که در این میان تعداد افراد مبتلا به دیابت نوع دو بسیار قابل توجه‌تر از مبتلایان به دیابت نوع یک است. از آمار یاد شده ۱۰ درصد مردان و ۱۱٫۵ درصد زنان تشکیل می‌دهند. در گذشته آمار ابتلا به دیابت در روستاها و شهرهای بزرگ بسیار متفاوت بود، اما اکنون در روستاها نیز ۸ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال دیابت دارند که این عدد حاکی از رشد ۱۲ درصدی ابتلا به دیابت در روستاها در سالیان اخیر است. در این میان سهم پایتخت‌نشینان از آمار ابتلا به دیابت، ۱۲٫۸ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال است.

علیرضا شریفی بزدی:  
آمار ۵٫۵ میلیون خانوار  
تک‌نفره در ایران، آمار  
دقیق و واقعی نمی‌تواند  
باشد، چون ما ۲۰ میلیون  
خانوار در کشور داریم و  
نمی‌توان تصور کرد که از  
هر چهار خانوار، یک خانوار  
به صورت تک‌نفره زندگی  
می‌کند

**خانواده دچار بحران شده**  
بسیاری از جامعه‌شناسان بر این باورند که شکل سنتی خانواده در ایران دچار بحران شده است. آمارهای پیرامون ازدواج، طلاق و تجرد بیانگر به تعویق افتادگی خانواده است؛ به این معنا که از یک سو خانواده‌های قدیمی که عمر اعضایشان به پایان رسیده، می‌میرند و خانواده‌ها از بیس می‌روند ولی از سوی دیگر خانواده جدید تشکیل نمی‌شود یا با تأخیر تشکیل می‌شود. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که تعداد خانواده‌ها روز به روز کمتر می‌شود، دوره‌های طولانی برای رسیدن به نقطه ازدواج وجود دارد و این سال‌هاست بیشتر می‌شود. از سوی دیگر وقتی افراد ازدواج می‌کنند فرزند آوری را به تأخیر می‌اندازند؛ یعنی زوج‌هایی هستند که ۱۰ تا ۱۵ سال با هم زندگی می‌کنند اما بچه‌دار نمی‌شوند. در واقع، باید گفت که این شیوه زندگی که زوج‌ها باید در سال‌های اول زندگی مشترک اقدام به فرزند آوری کنند، از میان برداشته شده و زوج‌ها فرزند آوری را به تأخیر می‌اندازند و زمانی هم که تصمیم به فرزند آوری می‌گیرند به یک یا دو فرزند بسنده می‌کنند.

وقتی ازدواج صورت می‌گیرد، خانواده‌ای که تشکیل می‌شود با انواع تعارض‌ها مواجه است. این تعارض‌های میان زوجین به دلیل افزایش فردگرایی و فقدان نظارت خویشاوندی می‌تواند به سرعت منجر به جدایی شود. زوج‌ها در مسائل عاطفی، جنسی، اقتصادی و حقوقی دچار اشکالی از دیگری هستند. به تمام آماري که از وضعیت تجرد، ازدواج، طلاق، به تعویق افتادگی ازدواج، سن ازدواج، سن زندگی‌های مشترک منجر به طلاق، سن زوجین مطلقه و... وجود دارد، باید آمار قتل‌های خانوادگی، درگیری‌های خانوادگی، خشونت علیه مردان، زنان و کودکان، زنا، با محارم، فرار دختران و پسران از خانواده نیز اضافه شود که مجموعاً نشان می‌دهد که چه تعارض‌هایی درون این نهاد اجتماعی وجود دارد.

مجازات هم باید خاص‌تر و سنگین‌تر اعمال شود. در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان به این موضوع توجه شده است. در اصل معامله خریدوفروش کودک یا هر گونه اقدام غیرقانونی که به موجب آن کودک به واسطه آن معامله شود در قبال آن وجه باید بدهد و وجه برای کسب امتیاز را جرم‌انگاری کرده و مجازات شدیدتری نسبت به قانون فعلی برای آن در نظر گرفته شده است. همچنین برای افرادی که این جرم را حرفه خود قرار داده‌اند، اشد مجازات را پیش‌بینی کرده است. اینکه این مجازات کافی است یا خیر، یک مسئله است. هر چند به نظر می‌رسد در کنار مجازات می‌توان قبل از وقوع این جرم و اعمال مجازات تا حدودی از وقوع چنین جرائمی پیشگیری کرد. باید دانست که با افزایش آگاهی عمومی و حل ریشه‌ای معضلات و در کنار آن شناسایی زود هنگام این باند‌ها و آگاه بودن مراجع انتظامی در این زمینه اقدام کرد.

دامن می‌زند این است که امروزه بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند فرزندانشان را تحت حمایت خود قرار دهند و بعد از مدتی آن فرزند مجبور است، خانه پدری‌اش را ترک کند. وقتی فرزند میان سال آن‌ها امکان تشکیل زندگی مشترک را نداشته باشند، رو به زندگی تک‌نفره می‌آورد و جای تربیت فرزندان به پرورش حیوانات خانگی می‌پردازد. محدودیت امکانات خانواده و عدم حمایت آن‌ها از فرزند، شرایط اقتصادی و تورم شدید باعث افزایش خانوار تک‌نفره می‌شود.

ازدواج سفید،  
راهکاری کوتاه‌مدت

زندگی‌های تک‌نفره با خود عوارضی هم به همراه دارد که ازدواج سفید می‌تواند یکی از آن‌ها باشد. در ایران آمارهای رسمی و قابل استنادی به دلیل محدودیت‌های موجود درباره میزان رواج این شیوه زندگی وجود ندارد؛ چرا که به واسطه سنتی بودن خانواده‌ها و ارزش بودنش یک سری مسائل، جوانان ترجیح می‌دهند این موضوع بین خودشان بماند و همین دلیلی است تا آمار روشنی از تعداد این افراد در دست نباشد. با این حال تغییرات ارزشی بر افزایش میزان هم‌خانگی مؤثر بوده‌اند.

اگر نگاه دقیق‌تری به دلایل شکل گرفتن ازدواج‌های سفید داشته باشیم متوجه می‌شویم دلیل اصلی آن هزینه‌های بالای زندگی و نداشتن بودجه لازم برای شروع یک زندگی است. دو جوان که تنها زندگی می‌کنند ترجیح می‌دهند برای کاهش هزینه‌ها با هم زندگی کنند و در کنار این منافع مشترک کوتاه‌مدت ممکن است یکی از طرفین ضربه‌های اساسی و کاری بخورد. در کنار مسائل ذکر شده اصلی‌ترین دلیل جوانان برای این نوع ازدواج نداشتن حس مسئولیت که اصلی‌ترین کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده است را هم می‌تواند نام برد که در نهایت به این منجر می‌شود که خانواده مفهوم واقعی خود را از دست بدهد.



ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک کشورها ملزم به اقدامات ضروری برای جلوگیری از خریدوفروش کودک کرده است. بی‌شک بخشی از مجازات خریدوفروش کودک با قوانین می‌تواند تغییر کند، اما این یک مسئله فرهنگی است. افزایش آگاهی عمومی مبنی بر اینکه چه مشکلاتی ناشی از خریدوفروش کودک ایجاد می‌شود، می‌تواند بازدارنده باشد، چون افراد فعال در این زمینه مجرم هستند و کودک نیز در این روند نمی‌تواند صاحب شناسنامه شود. باید به افرادی که برای داشتن فرزند، کودک خریداری می‌کنند، تأکید کرد که قوانین سرپرستی و فرزندخواندگی تسهیل شده است. در این شرایط افرادی که می‌توانند فرزندان را به سرپرستی گرفته و فرزندان می‌توانند به فرزندخواندگی گرفته شوند، افزایش یافته است. در این وضعیت افراد به جای اینکه به راه‌های غیرقانونی برای گرفتن فرزند بپردازند می‌توانند از راه‌های قانونی استفاده کنند. در کنار این مسئله

متعدد در زمینه صدور شناسنامه کودک و هویت آن را به دنبال دارد. در کنار آن برخی افراد نیز با خرید این کودکان قصد سوءاستفاده، تجارت غیرقانونی و به کار گماردن این کودکان در فرآیند اشتغال بزرگ‌هکاری و قاچاق را دارند. آماري که برای خریدوفروش کودک وجود دارد، دقیق نیست و این مسئله به شکل دقیق اطلاع‌رسانی نمی‌شود. بی‌شک مجازات نیز در این باره محدود است. با توجه به سیستم‌های تخفیفی و تعلیقی که در قوانین کشور در نظر گرفته شده است، این مجازات عملاً به درستی انجام نمی‌شود، حتی اگر عملاً مجازات حد صادر شود. در ضمن شاید مجازات فقط جزای نقدی باشد. این مسئله قابل انتقاد است، چون این مجازات باعث جلوگیری از تکرار جرم نمی‌شود و فرد را از تکرار جرم باز نمی‌دارد.

بسیاری از جامعه‌شناسان  
بر این باورند که شکل سنتی  
خانواده در ایران دچار  
بحران شده است. آمارهای  
پیرامون ازدواج، طلاق  
و تجرد بیانگر به تعویق  
افتادگی تشکیل خانواده  
است

آسیب‌های زیادی را به همراه خواهد داشت. امروزه بسیاری از جوانان امکان تشکیل زندگی مشترک را ندارند و به دلایل اقتصادی و تورم، سن ازدواجشان از حد متعارف و معمول گذشته و میل ازدواج در آن‌ها کاهش پیدا کرده است. متأسفانه امروزه سن ازدواج پسران به بیش از ۳۵ سال و دختران به نزدیک به ۳۰ سال یا بیشتر رسیده که این موضوع می‌تواند تهدید بزرگی برای جامعه جوان ایرانی باشد. تأخیر در ازدواج به دلایلی همچون نبود شغل، درآمد پایدار، گرانی تأمین سرپناه و امکانات حداقلی برای تشکیل خانه و خانواده عمومیت پیدا کرده و در حال گسترش است. یکی دیگر از موضوعاتی که به زندگی تک‌نفره

آنها با فرزندانشان یا همسر از کار افتاده زندگی می‌کنند و این زنان را نمی‌توان خانوار تک‌نفره به حساب آورد. سید حسن موسوی چلک خاطر نشان کرد: ولی افزایش میل به زندگی‌های تک‌نفره با وجود مشکلات اقتصادی و فرهنگی در جامعه ما واقعیت امکان‌ناپذیر است و همواره به ترویج این پدیده همدستار داده‌ایم. خانوار تک‌نفره نمی‌تواند کارکرد واقعی خانواده را برای جامعه داشته باشد. در هر جامعه‌ای که زن و مرد آن تنها زندگی می‌کنند و چتر حمایتی ندارند، بیش از هر فرد دیگری در معرض افسردگی و آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

**شرایطی که جوان‌ها را به سمت زندگی تنها می‌کشاند**  
اما ممکن است این سؤال در ذهن ایجاد شود که در ایران، خانواده مهم اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است و همیشه چه دولت چه خود مردم تلاش می‌کنند تا خانواده با ارزش نشان دهند؛ با این حال انگار چند سالی می‌شود خانواده مفهوم خود را از دست داده است. جایگاه خانواده در ایران در مقایسه با دیگر کشورها، بسیار بالاتر است و علی‌رغم همه مشکلات و محدودیت‌هایی که در رابطه با تشکیل خانواده وجود دارد، به جایگاه ازدواج و تشکیل زندگی مشترک تأکید بسیار صورت گرفته است. صرف‌نظر از این آمار، اما پدیده خانوار تک‌نفره این روزها در حال افزایش است و باعث نگرانی مسئولان و کارشناسان شده است. تا دو دهه پیش خانوار تک‌نفره در مباحث جمعیت‌شناسی ما وجود نداشت و حداقل خانوار دو نفر بود. پس تبدیل خانوار به یک نفر یک پدیده نوظهور و تهدید جدی برای جامعه ایرانی است که

وجود ۵٫۵ میلیون خانواده تک‌نفره در ایران نگران‌کننده ارزیابی می‌شود؛

## تغییر بنیادین مفهوم یک «نهاد»



معمولی و گروهی در کشور وجود دارد و سهم خانوارهای تک‌نفره از مجموع خانوارهای کشور ۸٫۴۶ درصد (۲ میلیون و ۴۶ هزار خانوار) بوده است. دکتر علیرضا شریفی بزدی، جامعه‌شناس بر این باور است که تعداد خانوارهای تک‌نفره و خانه‌های مجردی به شدت در حال افزایش است که این مسئله با عوامل مختلفی ایجاد می‌شود؛ افزایش خانوارهای تک‌نفره در درجه اول نشان‌دهنده بالا رفتن سن ازدواج در بین جوانان است و به همین دلیل وقتی سن ازدواج افزایش می‌یابد، طبیعتاً در دورانی از زندگی فرد از خانواده جدا شده و مستقل زندگی می‌کند و از طرفی جوانانی که ازدواج نکرده‌اند نیز بخش مهمی از خانوارهای تک‌نفره را تشکیل می‌دهند. حال یا به دلیل پایین بودن شناسن ازدواج یا نداشتن امکانات یا کلاً عدم تمایل به ازدواج، آمار ازدواج پایین می‌آید که موجب تشکیل خانواده‌های تک‌نفره می‌شود.

البته بنا به گفته‌های این جامعه‌شناس، آمار ۵٫۵ میلیون خانوار تک‌نفره در کشور، آمار دقیق و واقعی نمی‌تواند باشد، چون ما ۲۰ میلیون خانوار در کشور داریم و نمی‌توان تصور کرد که از هر چهار خانوار، یک خانوار به صورت تک‌نفره زندگی می‌کند، اما اگر این آمار واقعیت یا نزدیک به واقعی باشد، فاجعه بزرگی در کشور ما رخ داده است.

قبول نکردن آمار ارائه شده در مورد وجود این تعداد خانوار تک‌نفره به شریفی بزدی محدود نشد. رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نیز این آمار را تأیید نمی‌کند و معتقد است طبق سرشماری سال ۹۵ ما سه میلیون و ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار داشتیم که عمدتاً

معمولی و گروهی در کشور وجود دارد و سهم خانوارهای تک‌نفره از مجموع خانوارهای کشور ۸٫۴۶ درصد (۲ میلیون و ۴۶ هزار خانوار) بوده است. دکتر علیرضا شریفی بزدی، جامعه‌شناس بر این باور است که تعداد خانوارهای تک‌نفره و خانه‌های مجردی به شدت در حال افزایش است که این مسئله با عوامل مختلفی ایجاد می‌شود؛ افزایش خانوارهای تک‌نفره در درجه اول نشان‌دهنده بالا رفتن سن ازدواج در بین جوانان است و به همین دلیل وقتی سن ازدواج افزایش می‌یابد، طبیعتاً در دورانی از زندگی فرد از خانواده جدا شده و مستقل زندگی می‌کند و از طرفی جوانانی که ازدواج نکرده‌اند نیز بخش مهمی از خانوارهای تک‌نفره را تشکیل می‌دهند. حال یا به دلیل پایین بودن شناسن ازدواج یا نداشتن امکانات یا کلاً عدم تمایل به ازدواج، آمار ازدواج پایین می‌آید که موجب تشکیل خانواده‌های تک‌نفره می‌شود.

البته بنا به گفته‌های این جامعه‌شناس، آمار ۵٫۵ میلیون خانوار تک‌نفره در کشور، آمار دقیق و واقعی نمی‌تواند باشد، چون ما ۲۰ میلیون خانوار در کشور داریم و نمی‌توان تصور کرد که از هر چهار خانوار، یک خانوار به صورت تک‌نفره زندگی می‌کند، اما اگر این آمار واقعیت یا نزدیک به واقعی باشد، فاجعه بزرگی در کشور ما رخ داده است.

قبول نکردن آمار ارائه شده در مورد وجود این تعداد خانوار تک‌نفره به شریفی بزدی محدود نشد. رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نیز این آمار را تأیید نمی‌کند و معتقد است طبق سرشماری سال ۹۵ ما سه میلیون و ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار داشتیم که عمدتاً



چند روز پیش بود که رئیس گروه توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی در یک اظهار نظر عجیب در رابطه با ترویج خانوار تک‌نفره در کشور، آماری ارائه داد که واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت. معصومه توکلی در برنامه‌ای رادیویی گفت: «در حال حاضر حدود ۵٫۵ میلیون خانوار تک‌نفره در ایران زندگی می‌کنند. او با اشاره به زمانی که سرپرست خانوار هستند، زندگی دانشجویان و افرادی که توان تشکیل زندگی مشترک را ندارند و مجردی زندگی می‌کنند، موضوعاتی همچون طلاق، فوت همسر و پسر و مادر و مشکلات اقتصادی را مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری خانوارهای تک‌نفره در ایران عنوان کرد. اما زمانی این آمار رنگ و بوی هشدار به خود می‌گیرد که در حال حاضر ۲۰ میلیون خانوار در کشور وجود دارد و نمی‌توان تصور کرد که یک چهارم خانوار ایرانی تک‌نفره هستند. با این حال و فارغ از این آمار باید به این نکته اشاره کرد که در دو دهه گذشته پدیده زندگی مجردی و تشکیل خانوار تک‌نفره در کشور، روند افزایشی داشته و کارشناسان مسائل اجتماعی نسبت به رواج آن هشدار می‌دهند.

افزایش صعودی خانواده‌های  
تک‌نفره

تعداد خانواده‌های تک‌نفره در سال ۸۵ حدود ۵٫۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌داد که این رقم در سال ۹۰ به ۷٫۱ درصد افزایش یافت. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۹۵ نشان می‌دهد که در مجموع ۲۴ میلیون و ۱۸۵ هزار و ۱۳۳ خانوار

## یادداشت

## مونیکانادی، فعال حقوق کودک

پدیده خریدوفروش کودکان، یکی از آسیب‌های پنهان جامعه است که با توجه به رسانه‌های شدن آن در سال‌های گذشته هنوز راهکاری برای حل این معضل اندیشیده نشده است. هر چند که در سال ۸۱ و در ماده سه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هر گونه خریدوفروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب به خلاف را ممنوع اعلام کرده و فرد خاطی را علاوه بر جبران خسارت به شش ماه تا یک سال زندان یا پرداخت جزای نقدی محکوم کرده است. در کنار این ماده حتی اگر عمل خریدوفروش کودک در ابعاد بین‌المللی صورت بگیرد می‌توان به ماده یک قانون سال ۱۳۸۳

اشاره کرد. البته باید دانست که این قانون فقط مختص به کودکان نیست، بلکه مختص به تمامی افراد است. در همان قانون نیز پیش‌بینی شده که اگر در گوی قاچاق، کودک (فرد زیر ۱۸ سال) باشد، مجازات فرد خاطی تشدید می‌شود. امروزه بسیاری از خانواده‌ها که با فقر و اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کنند، فرزندان را رادر شکم مادر به قیمت‌های ناچیز می‌فروشند یا برخی دیگر برای کسب سود اقتصادی و تکدی‌گری در کنار استفاده از پاره‌های کودکان به فرزندآوری روی می‌آورند. متأسفانه این پدیده همواره مورد تکذیب قرار می‌گیرد، اما اتفاقی که در بیمارستان‌های جنوب شهر رخ می‌دهد، اتفاقی غیرقابل تکذیب است. پدیده خریدوفروش نوزادان به‌غیر از مجازات قانونی که می‌تواند به همراه داشته باشد، معضلات

## خرید و فروش نوزادان در جنوب شهر ادامه دارد

متعدد در زمینه صدور شناسنامه کودک و هویت آن را به دنبال دارد. در کنار آن برخی افراد نیز با خرید این کودکان قصد سوءاستفاده، تجارت غیرقانونی و به کار گماردن این کودکان در فرآیند اشتغال بزرگ‌هکاری و قاچاق را دارند. آماري که برای خریدوفروش کودک وجود دارد، دقیق نیست و این مسئله به شکل دقیق اطلاع‌رسانی نمی‌شود. بی‌شک مجازات نیز در این باره محدود است. با توجه به سیستم‌های تخفیفی و تعلیقی که در قوانین کشور در نظر گرفته شده است، این مجازات عملاً به درستی انجام نمی‌شود، حتی اگر عملاً مجازات حد صادر شود. در ضمن شاید مجازات فقط جزای نقدی باشد. این مسئله قابل انتقاد است، چون این مجازات باعث جلوگیری از تکرار جرم نمی‌شود و فرد را از تکرار جرم باز نمی‌دارد.